

روایت صریح محمد حسن پیوندی از تولد، توسعه و خطاهای راهبردی یک صنعت

پتروشیمی ایران از دل جنگ تا گره های اجرایی

رویا خالقی - روزنامه نگار / تاریخ صنعت پتروشیمی ایران را نمی توان صرفاً با آمار تولید، فهرست مجتمع ها یا نمودارهای ظرفیت سازی روایت کرد؛ این تاریخ، پیش از هر چیز، تاریخ انسان هایی است که در بزنگاه های حساس بر سر تصمیم های دشوار، و انتخاب های خطیر ایستادند و مسیر صنعتی نوپا را به یکی از ستون های اقتصاد کشور بدل کردند. محمد حسن پیوندی از جمله همین چهره هاست؛ مدیری برخاسته از متن صنعت، نه از حاشیه آن؛ کسی که پتروشیمی را از نخستین روزهای کارآموزی در بزرگ ترین پروژه در حال اجرای جهان تا پیچیده ترین مراحل راه اندازی، بازسازی و برنامه ریزی توسعه، با تمام وجود لمس کرده است. پیوندی به نسلی تعلق دارد که «توسعه» را نه در اسناد رنگارنگ، بلکه در میدان عمل آموخت؛ نسلی که در کارگاه های نیمه ساخته بندر امام و واحدهای الفینی زیر آتش جنگ آبدیده شد، شب های طولانی راه اندازی را تجربه کرد و همزمان به آینده ای می اندیشید که هنوز زیرساخت هایش در حال بمباران بود. او از معدود مدیرانی است که هم در شکل گیری برنامه های پنج ساله توسعه پتروشیمی نقش داشته، هم بازسازی مجتمع های آسیب دیده را پیش برده و هم در برابر برخی تصمیم های پرهزینه سیاست گذاران با صراحت ایستاده است. این گفت و گو، روایت خطی و ساده ای از گذشته نیست. بازخوانی صریح فراز و فرود صنعتی است که زمانی ویتترین توسعه دولت ها بود، اما به تدریج با چالش هایی چون خصوصی سازی نامتوازن، گسست برنامه ریزی، محدودیت فناوری و حکمرانی چندپاره روبه رو شد. در این روایت، از مشارکت ایران - ژاپن و تولد پتروشیمی بندر امام گفته می شود؛ از جنگی که زیرساخت ها را هدف گرفت اما اراده نیروی انسانی را تقویت کرد، از تصمیم هایی که صنعت را به درون کشور کشاند و از تحریم هایی که مانع آفریدند اما ظرفیت های تازه ای را فعال کردند.

گفت و گو پیش رو، بیش از آنکه نوستالژیک باشد، هشداردهنده و آینده نگر است. پیوندی با تکیه بر تجربه زیسته، از فاصله میان نسل ها، تضعیف آموزش، کم رنگ شدن نقش بالادستی ها و ضرورت بازتعریف جایگاه شرکت ملی صنایع پتروشیمی سخن می گوید. او باور دارد که آینده پتروشیمی ایران، نه در شعار «خودکفایی مطلق» و نه در رهاسازی کامل بازار، بلکه در حکمرانی هوشمند، انضباط صنعتی، ایمنی سختگیرانه و بازگشت به منطق توسعه نهفته است. این گفت و گو تلاشی است برای شنیدن صدای تجربه؛ صدایی که یادآوری می کند پتروشیمی ایران چگونه ساخته شد، کجا مسیرش گند شد و اگر از تاریخ خود درس بگیرد، هنوز می تواند در آینده، جایگاهی درخور ظرفیت هایش داشته باشد.

محمد حسن پیوندی، مدیر با سابقه صنعت پتروشیمی در گفت و گو صریح با ویژه نامه روزنامه ایران از حال و آینده صنعت پتروشیمی می گوید.

”

در سال های
پیش از
انقلاب، حدود
یک سال مانده
به انقلاب،
تولید نفت
ایران به حدود
۶ میلیون
بشکه در روز
رسیده بود
و در نتیجه
حجم عظیمی
از آن جی ال
یا گازهای
همراه نفت که
بهترین خوراک
برای صنعت
پتروشیمی
محسوب
می شد، در
بیابان های
اهواز فلر
می شد و
می سوخت

ایران

۳۸

■ مهم ترین نقطه عطف تاریخ پتروشیمی ایران از نگاه شما کدام

دوره یا پروژه بود؟

اگر بخواهم از مهم ترین نقطه عطف در تاریخ پتروشیمی ایران نام ببرم، بدون تردید باید به ورود مهندس نعمت زاده به این صنعت اشاره کنم. این رویداد، تغییری جدی و تعیین کننده به همراه داشت. ایشان با تجربه ای ارزشمند که حاصل حضور در چند کابینه و مسئولیت هایی چون وزارت کار و وزارت صنایع و معادن بود، وارد حوزه پتروشیمی شدند. مهندس نعمت زاده ذاتاً مدیری عمل گرا و بسیار پرتلاش بود و همین ویژگی ها نقش مستقیمی در جهت دهی و شتاب بخشی به مسیر توسعه صنعت پتروشیمی ایفا کرد.

در همان مقطع، وزارت نفت عملاً به محور اصلی و سنگین ترین وزنه کابینه تبدیل شد. علت این جایگاه ویژه، حضور همزمان سه چهره شاخص با سابقه اجرایی قوی در رأس مدیریت این وزارتخانه بود. پس از دولت سازندگی و در دولت آقای خاتمی، آقای زنگنه با تجربه گسترده ای که در وزارت نیرو، به ویژه در حوزه سدسازی و نیروگاه سازی داشت، مسئولیت وزارت نفت را برعهده گرفت. همزمان، مهندس نعمت زاده با پیشینه فعالیت در وزارت کار و وزارت صنایع و معادن و نیز تجربه دوران جبهه، به عنوان معاون وزیر و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی وارد وزارت نفت شد. در کنار این دو، مرحوم ترکان نیز با سابقه وزارت راه و ساختمان و تجربه استانداری، به عنوان معاون وزیر در امور برنامه ریزی وزارت نفت ایفا نقش کرد.

مجموع این عوامل سبب شد وزارت نفت در آن دوره به قوی ترین وزارتخانه دولت تبدیل شود؛ وزارتخانه ای که با حضور این سه مدیر ارشد، از پشتوانه ای استوار از نظر تجربه اجرایی، نگاه مدیریتی و توان تصمیم گیری برخوردار بود.

■ نخستین تصویر شما از صنعت پتروشیمی ایران در سال های

ابتدایی فعالیت تان چه بود؟

سال ۱۳۵۶ از دانشکده نفت آبادان فارغ التحصیل شدم و بلافاصله به عنوان کارآموز وارد مجتمع پتروشیمی بندرامام فعلی شدم؛ مجتمعی که آن زمان با عنوان مشارکت ایران - ژاپن شناخته می شد. آن دوره، اوج مرحله ساخت و ساز پروژه بود. پروژه از سال ۱۳۵۲ آغاز شده و عملاً وارد فاز اجرای گسترده شده بود.

برای من که تازه از دانشکده نفت فارغ التحصیل شده بودم، ورود به چنین محیطی به معنای ورود ناگهانی به یک دریای عظیم کار بود. این فضا تصویر بسیار جذابی برایم داشت؛ اینکه می دیدم یک مجموعه صنعتی بسیار بزرگ، چیزی شبیه یک «هیولا»، روز به روز در حال شکل گیری و بزرگ تر شدن است.

در آن زمان، پتروشیمی بندر امام یا همان ایران - ژاپن، از نظر ظرفیت و تنوع محصولات، بزرگ ترین پروژه پتروشیمی در حال اجرای جهان به شمار می رفت. علتش هم روشن بود. در سال های پیش از انقلاب، حدود یک سال مانده به انقلاب، تولید نفت ایران به حدود ۶ میلیون بشکه در روز رسیده بود و در نتیجه حجم عظیمی از آن جی ال یا گازهای همراه نفت که بهترین خوراک برای صنعت پتروشیمی محسوب می شد، در بیابان های اهواز فلر می شد و می سوخت.

به همین دلیل، این پروژه هم از نظر اقتصادی و هم از نظر نوع مشارکت، که مشارکت ۵۰-۵۰ بود، پروژه ای بسیار جذاب به حساب می آمد. در مجموع، نخستین تصویری که من از صنعت پتروشیمی در ذهن دارم، ورود به بزرگ ترین پروژه پتروشیمی در حال اجرای جهان است؛ تجربه ای که برای من ارزش و اهمیت فراوانی داشت.